

Spatial Explanation of the Foundations of Women's Representation in the Islamic Consultative Assembly Elections (First to eleventh parliaments)

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

¹. Jalil Dara Ph.D.*

². Elahe Sadeghi Ph.D.

¹Associate Professor,
Associate Professor at the
Faculty of Humanities,
Department of Political
Sciences Modares
University, Tehran, Iran.

²PhD in Political Science
from Allameh Tabatabai
University, Lecturer, Faculty
of Law and Political Science,
Allameh Tabatabai
University, Tehran, Iran.

Correspondence*

Address: Tarbiat Modares
University, Tehran, Iran.

Email: j.dara@modares.ac.ir

Article History

Received: 3 December 2021

Accepted: 25 January 2022

Women's political participation in major areas of political decision-making such as legislation or parliamentary representation is one of the components of political development. To this end, most countries, especially the Islamic Republic of Iran, seek to strengthen women's participation in the power structure and political decision-making in order to move towards political development; However, since the establishment of the Islamic Republic until today, the spatial (geographical) distribution of women's representation in the Islamic Consultative Assembly has not been uniform and in some constituencies women have been elected in most constituencies, but still in some constituencies, no woman has been elected to parliament. Therefore, the question is what factors do affect the geographical distribution of women's representation in the Islamic Consultative Assembly? To answer this question, the Delphi method and the Shannon technique were used and the researchers collected the views of 10 experts in the field of election geography through interviews and questionnaires and then the data obtained from the consensus of experts using the Shannon technique. The findings showed that "multi-member constituencies", "larger cities", "areas with higher populations", "economic welfare" and "areas with a higher level of education" are among the most important factors influencing the geographical distribution of women's representation in the Islamic Consultative Assembly.

Keywords: Geography of Elections, Geographical Distribution (Space), Political Participation, Women, Representation of the Islamic Consultative Assembly.

تبیین فضایی بنیان‌های نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (دوره اول تا یازدهم مجلس)

جلیل دارا * Ph.D.

دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

الهه صادقی Ph.D.

دکتری علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی، مدرس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده:

مشارکت سیاسی زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری‌های سیاسی نظیر عرصه قانونگذاری یا نمایندگی مجلس، یکی از مولفه‌های توسعه سیاسی است. به همین منظور اغلب کشورها به ویژه جمهوری اسلامی ایران در جهت تحکیم و تقویت توسعه سیاسی، به دنبال بالابردن مشارکت زنان در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی می‌باشند. از طرفی از زمان شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی تا به امروز پراکنش فضایی (جغرافیایی) نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی به صورت یکدست و برابر نبوده و در برخی از حوزه‌های انتخابیه، زنان در بیشتر دوره‌ها انتخاب شده‌اند اما هنوز در برخی از حوزه‌ها زنی به مجلس راه نیافته است. لذا پرسش این است که عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی کدامند؟ برای پاسخگویی به این پرسش از روش دلفی و تکنیک شانون استفاده گردید و پژوهشگران به وسیله مصاحبه و پرسش‌نامه، دیدگاه‌های ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در حوزه جغرافیایی انتخابات را جمع‌آوری نمودند و سپس داده‌های بدست آمده از اجماع صاحب‌نظران با تکنیک شانون مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که «حوزه انتخابیه چند عضوی»، «شهرهای بزرگتر»، «مناطق با جمعیت بالاتر»، «رفاه اقتصادی» و «مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند» جز مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

کلمات کلیدی: جغرافیای انتخابات، پراکنش جغرافیایی (فضایی)، مشارکت سیاسی، زنان، نمایندگی مجلس شورای اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

نویسنده مسئول: j.dara@modares.ac.ir

مقدمه

توسعه سیاسی هر جامعه، وابسته به مشارکت همه اعضای جامعه است. دستیابی به توسعه سیاسی منوط به استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل همه نیروهای انسانی اعم از زن و مرد و مشارکت آنان در صحنه‌های سیاسی است. براین اساس یکی از معیارهای توسعه سیاسی هر کشوری، فعالیت زنان در عرصه سیاسی آن کشور نظیر تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و گسترش همه جانبه در سطوح مختلف سیاسی است. پس مشارکت زنان در انتخابات به عنوان نامزدهای انتخاباتی علاوه بر اینکه بلوغ سیاسی جامعه زنان را نمایان می‌سازد، به تبع باعث ارتقا جایگاه و وضعیت زنان می‌گردد؛ زیرا اگر زنان به عرصه تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری وارد شوند، از یک سو به ارتقای کمی و کیفی قانون‌گذاری کمک می‌کنند و از سوی دیگر باعث نگرش دقیقتر جامعه نسبت به مشکلات زنان می‌گردند و بدین وسیله مشکلات زنان را برطرف می‌سازند. بر همین اساس کشورهای توسعه یافته تلاش می‌کنند تا مشارکت و نقش آفرینی زنان در عرصه سیاسی را تقویت نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست و اقدامات فراوانی را برای افزایش مشارکت زنان در عرصه سیاسی اتخاذ کرده است.

یکی از این عرصه‌های سیاسی، عرصه نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. از زمان تاسیس جمهوری اسلامی تا به امروز ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شده است و در طول این ۱۱ دوره، سیاست‌گذاری‌هایی در جهت افزایش حضور زنان در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته که افزایش حضور زنان در مجلس دهم و یازدهم، تایید کننده این موضوع است؛ هرچند که مشارکت زنان در این عرصه با ایده آل آن در سطح جهانی فاصله دارد. در طی این ۱۱ دوره ۷۸ زن موفق به کسب ۱۱۱ کرسی نمایندگی مجلس شدند. در دوره اول و سوم مجلس هر بار ۴ زن، در دوره چهارم ۹ زن، در دوره پنجم ۱۴ زن، در دوره ششم ۱۳ زن، در دوره هفتم ۱۳ زن، در دوره هشتم ۸ زن، در دوره نهم ۹ زن، در دوره دهم ۱۷ زن و در دوره یازدهم ۱۶ زن به عنوان نمایندگان مردم به مجلس راه یافتند. بنابراین در طول این ۱۱ دوره فعالیت مجلس شورای اسلامی، بیشترین کرسی به دست آمده توسط زنان مربوط به دوره دهم مجلس و کمترین تعداد نمایندگان زن مربوط به دوره اول تا سوم بوده است.

پراکنش جغرافیایی نمایندگان زنان در طول ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که زنان از استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی در بیشتر دوره‌های مجلس حضور داشته‌اند. حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس با داشتن ۵۷ کرسی زن در

دوره‌های مختلف مجلس، رکورد دار حضور زنان است و پس از آن استان‌های اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی به ترتیب با ۱۲، ۹ و ۷ کرسی قرار دارند. همچنین این پراکنش جغرافیایی نشان می‌دهد هنوز در برخی از استان‌های کشور نظیر خوزستان، قم، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مازندران، هرمزگان، یزد و... نماینده زنی به مجلس راه نیافته است. براین اساس از لحاظ پراکندگی جغرافیایی، وضعیت نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی یکدست و برابر نیست و همین موضوع دلیل اصلی این پژوهش برای بررسی پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی است. به همین منظور در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که چه عواملی بر روی پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تاثیر گذاشته است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش دلفی و تکنیک شانون استفاده شده است تا از دیدگاه صاحب‌نظران که در حوزه جغرافیای انتخابات اثر پژوهشی داشته‌اند، استفاده نماییم.

پیشینه پژوهش

مرور منابعی چند پیرامون موضوع پژوهش حاضر موجب روشن‌تر شدن و آشنایی با طرح دیدگاه‌ها و همچنین نارسایی‌های مربوط به مسئله پژوهش می‌شود. البته در خصوص این موضوع، پژوهش‌های متعددی صورت نگرفته است؛ اما با دو کلید واژه «جغرافیا» و «انتخابات» پژوهش‌هایی انجام شده است؛ مقاله «پراکنش فضایی مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری» [۹] معتقد است که طیف گسترده از عوامل در پراکنش فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران تاثیر گذاشته و پیروزی گفتمان اعتدال گرایی برآیند طیفی از عوامل محیطی زمانی و مکانی و نوعی وحدت رویه در استقبال از گفتمانی است که هر هشت سال یکبار در فرهنگ سیاسی کشور مسلط می‌شود. مقاله «بررسی و تحلیل الگوی فضایی پراکنش آرا در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ایران» [۷] معتقد است که الگوی رای آقای جلیلی متأثر از متغیر ایدئولوژیک، آقای رضایی متأثر از متغیر قومیت، آقای قالیباف متأثر از عملکرد در کسوت شهردار تهران و آقای روحانی پیروز انتخابات متأثر از متغیر قومیت و مذهب و به عبارت دقیق‌تر رای اقلیت‌های اکولوژیک، اقتصاد سیاسی و الگوی رای سلسله مراتب نیازها بوده است.

مقاله «تحلیلی بر چگونگی پراکندگی کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در ایران» [۱] معتقد است در ایران، فرصت برابر در دسترسی به کرسی‌های مجلس برای همه مردم با توجه به وسعت و پراکندگی جمعیت فراهم نیست و تمایز زیادی بین استان‌ها دیده می‌شود. ارزش رای‌ها در استان‌های مختلف،

متفاوت است و مجموعه‌ای از عوامل که عمدتاً منشا سیاسی و مدیریتی داشته‌اند، به صورت زنجیره‌ای به نبود تعادل منجر شده‌اند. مقاله «پویش جغرافیایی انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران با تاکید بر مشارکت زنان» [۱۳] معتقد است که مشارکت بیشتر زنان برای تصدی کرسی‌های انتخابی کشور با سیری نزولی و صعودی همراه بوده که عوامل متفاوتی نظیر شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای کوچکتر، حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های تک عضوی در این مسئله نقش داشته است. مقاله «تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا نهم» [۲] با روش توصیفی-تحلیلی پویش جغرافیایی نمایندگان زن را بررسی کرده است. البته این مقاله برای بررسی این موضوع بر روی سه مولفه: مناطقی با حوزه‌های چند عضوی، شهرهای بزرگ و مسائل اقتصادی متمرکز بوده است و از بررسی سایر مولفه‌های تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان غافل مانده است. مقاله «بررسی جغرافیایی حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در ایران (با تاکید بر مجلس دهم)» [۱۵] معتقد است که در انتخاب زنان به عنوان نماینده مجلس، عواملی چون گرایش سیاسی عمومی جامعه، جمعیت، مرکز یا شهرستانی بودن، وسعت، سابقه داشتن نمایندگی زن در آن حوزه انتخابیه در پراکندگی جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس تاثیرگذارند.

همانطور که اشاره گردید منابع مورد اشاره، به رغم دستاوردهای مهمی که داشته‌اند، از یک سو تصویری دو تا سه بعدی از ابعاد مختلف مسئله پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی ارائه می‌دهند و از سوی دیگر همین نقصان دلیل اصلی این پژوهش است. لذا این پژوهش در تلاش است تمام عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان را در کلیت خویش مورد توجه قرار دهد و ابعاد و متغیرهای متعدد دخیل در آن را با روش دلفی و تکنیک شانون مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

جغرافیا به لحاظ بنیادی علم فضا شناسی و به لحاظ کاربردی علم فضا سازی هست [۴] و سیاست جوهر حاکمیت، فرمانروایی و اعمال قدرت است. بنابراین بین سیاست و فضا رابطه وجود دارد. سیاست به واسطه نهادهای تصمیم‌ساز و مجری تصمیم، بر فضا که متشکل از جامعه انسانی، شبکه‌ها، جریان‌ها، ساختارها و ... می‌باشد، تاثیر می‌گذارد و از آن نیز تاثیر می‌پذیرد. براساس تعریف ارائه شده، دانش جغرافیایی سیاسی اهمیت پیدا می‌کند، زیرا یکی از موضوعات مهم مورد بررسی در دانش جغرافیای سیاسی، انتخاب افراد و شخصیت‌های انسانی در نهادهای تصمیم

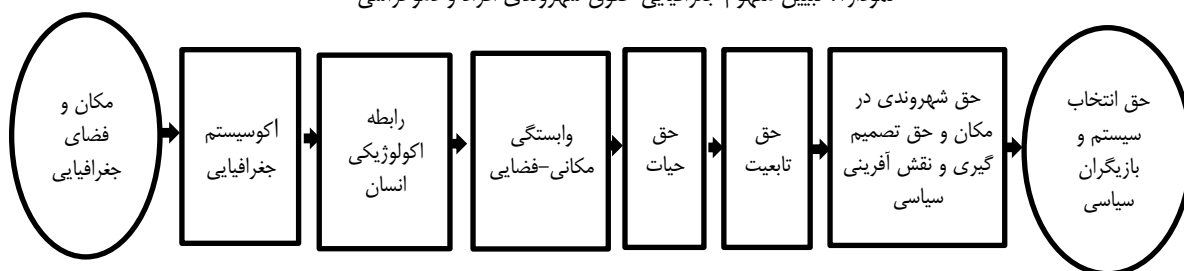
جمله موارد بسیار مهمی است که در جغرافیای سیاسی به آن پرداخته می‌شود.

به تعبیر دیگر در منطق جغرافیای سیاسی، دموکراسی و نقش سیاسی انسان‌ها در مکان و فضای که در آن زندگی می‌کنند و شکل دادن به نظام سیاسی و ساختارهای مرتبط به آن، حقی طبیعی و مبتنی بر الگوی روابط اکولوژیک انسان در مکان و فضای جغرافیایی است که انسان‌ها در آنجا زندگی می‌کنند، از آن برخوردار هستند [۳]. براین اساس، انسان‌ها حق دارند در سطح محلی و ملی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند و در فضای جغرافیایی کشور خویش به عنوان عضوی از ملت به ایفای نقش سیاسی بپردازند. آنان حق دارند نظام سیاسی تاسیس کنند و در فرآیندهای دموکراتیک نظیر انتخاب اعضای مجلس و پارلمان، رئیس‌جمهور و غیره مشارکت نمایند [۳]. بنابراین نقش سیاسی انسان در فرایند دموکراتیک (انتخابات) بر پایه تحلیل روابط اکولوژیک انسان با فضا و مکان جغرافیایی معنا می‌یابد [۴].

ساز به عنوان تصمیم‌گیرندگان اداره فضای جغرافیایی (محیط) می‌باشد. علاوه بر آن جغرافیای سیاسی، شرایط جغرافیایی محیطی و ویژگی‌های انسانی را نیز بررسی می‌کند؛ زیرا شرایط جغرافیایی محیطی و ویژگی‌های انسانی مختلف شکل گرفته در هر فضای جغرافیایی نیز بر گزینش کاندیدا توسط ساکنان نواحی اثرگذار بوده است [۸].

بر این اساس در جغرافیای سیاسی آن بخش از داده‌های آماری مرتبط با انتخابات زمانی معتبر و قابل بررسی است که در بعد فضایی بر رفتار انتخاباتی افراد تمرکز دارد؛ زیرا عموماً گزینش کاندیداها متأثر از منافع رای‌دهندگان است و این گزینش از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد تأثیر می‌پذیرد. از این رو جغرافیدانان سیاسی، تأثیر عامل محیطی را در گزینش مهم می‌دانند. بنابراین جغرافیای سیاسی به مطالعه آن بخش از انتخابات می‌پردازد که نشانگر اثرگذاری محیط بر رفتار انتخاباتی باشد [۱۲]. بنابراین توزیع نتایج رای‌گیری بر روی نقشه نشانگر تفاوت‌های رفتاری در مکان‌های مختلف است. پس رفتار انتخاباتی و تأثیر محیط بر رفتار رای‌دهندگان از

نمودار ۱: تبیین مفهوم جغرافیایی حقوق شهروندی افراد و دموکراسی



منبع: نگارندگان

می‌دهند، بسیار گسترده هستند. بنابراین محل سکونت فرد رای‌دهنده، تعیین‌کننده طیف فضایی نمایندگان منتخب است. عامل تعیین‌کننده در این رابطه، مجموعه نواحی فضایی - قانونی است که غالباً به آنها حوزه انتخابیه می‌گویند که چارچوب سازمانی را برای انتخاب به وجود می‌آورند و نمایندگان را به پارلمان و انجمن‌های مشابه می‌فرستند. موقعیت مکانی حوزه‌های انتخاباتی می‌تواند بر چهره سیاسی منطقه و ماهیت بحث نمایندگی تأثیرگذار باشند [۱۷]. در این بین، جغرافیای انتخابات به عنوان زیر مجموعه دانش جغرافیای سیاسی به مطالعه دموکراسی، مشارکت سیاسی، خاستگاه آراء، وزن مکانی حوزه‌های انتخاباتی، نقش مکان‌ها، تعامل فضا و مکان فرایندهای انتخاباتی، تنوع تصمیمات و نتایج آراء رای‌دهندگان نواحی مختلف، اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی و شکل‌گیری حوزه‌های انتخاباتی می‌پردازد [۹]. بنابراین درک و فهم جغرافیای انتخابات مستلزم شناخت مناسبات جغرافیا، سیاست و دموکراسی می‌باشد که مهم‌ترین

بنابراین می‌توان عناصر جغرافیایی موثری را در فرایند انتخابات شناسایی کرد. مثلاً قرار گرفتن افراد در فضای جغرافیایی، نژاد، مذهب، زبان، جمعیت و ... پدیده‌هایی هستند که بر شکل‌گیری رفتار سیاسی مردم و در نتیجه رفتار انتخاباتی بسیار تأثیرگذار هستند. به این لحاظ می‌توان پیش‌بینی کرد که الگوهای فضایی رای‌دهی نمایانگر انفکاک و فاصله میان مردمی است که از دیدگاه‌های متفاوتی برخوردارند. این الگوها بازتاب انفکاک زیر بنایی نهادهای اجتماعی و اقتصادی هستند. موقعیت مکانی محل سکونت فرد، تعیین‌کننده طیف همسایگان، دوستان و آشنایان فرد است. چنین الگویی از روابط و پیوستگی اجتماعی، عنصری بسیار تعیین‌کننده در محیط اجتماعی خواهد بود که افراد در چارچوب آنها به تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی می‌پردازند؛ چرا که محیط اجتماعی متعدد در برگزیده گرایش‌های مختلفی است که در مباحث سیاسی گوناگون نمود می‌یابد [۴]. بنابراین طیف عواملی که به لحاظ موقعیت جغرافیایی، نوع تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی را تحت شعاع قرار

دستیابی به هدف مشترک است. می‌توان گفت که مشارکت مهم‌ترین گرایش در امور سیاسی است و کانون محوری مقوله انتخابات بر مشارکت سیاسی قرار گرفته است. مفهوم مشارکت سیاسی را می‌توان فعالیت ذهنی و عملیاتی در عرصه سیاست تعریف کرد که هدف آن گزینش حاکمان و دخالت در شیوه تصمیم‌گیری آنها می‌باشد [۱۴]. رای دادن کمترین شکل فعالیت مشارکت سیاسی است و این مشارکت پس از انداختن رای در صندوق به پایان می‌رسد. برای سنجش مشارکت سیاسی شاخص‌های متعددی ارائه شده است. برای نمونه مایکل راش، رای دادن در انتخابات را به پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی و داشتن مقامات رسمی را بالاترین سطح از مشارکت سیاسی بیان می‌کند و سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را ارائه می‌دهد که به شرح زیر است: داشتن مقام سیاسی یا اجرایی، جستجوی مقام سیاسی و اجرایی، عضویت فعال در سازمان سیاسی، عضویت فعال در سازمانی شبه سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، عضویت انفعالی در سازمان سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیر رسمی، اندکی علاقه به سیاست، رای دادن و عدم درگیری در سیاست [۶].

در واقع پدیده مشارکت سیاسی در همه سطوح تابعی از تحولات مختلف سیاسی، اداری، حقوقی، فرهنگ سیاسی و اجتماعی است [۵] و عواملی نظیر موقعیت اجتماعی و اقتصادی، انگیزه‌های سیاسی، محیط سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها، منابع در دسترس می‌تواند منجر به تغییر در مشارکت گردد. بر همین اساس الگوهای رفتاری در قلمرو مشارکت در همه سطوح سیاسی نظیر نمایندگی مجلس تابعی از پایگاه اجتماعی- اقتصادی، اقلیم، تحصیلات، شغل، سن، مذهب، قومیت، شخصیت، محل سکونت و محیط سیاسی که مشارکت در آن صورت می‌گیرد، می‌باشد [۱۱]. به تعبیر دیگر در هر مشارکت سیاسی در هر سطحی، همه شرایط محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر روی آن تأثیرگذار است [۴]. با این توصیف جغرافیای انتخابات، الگوی رفتاری مشارکت را تحت تأثیر عوامل مختلف و متعدد در فضایی جغرافیایی (محیط) مطالعه می‌کند.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش دلفی استفاده شده است. زمانی که لازم است بر هم‌اندیشی چند صاحب نظر در خصوص موضوعی خاص برای کشف ایده‌های نوآورانه و پیش‌بینی تصمیمات راهبردی دراز مدت تکیه شود اما شرایط و امکانات مناسب و لازم برای گردهم آوردن آنان فراهم نباشد، می‌توان از روش دلفی استفاده نمود. بنابراین تکنیک دلفی برای «شناسایی» و «غیرال» مهمترین شاخص‌های تصمیم‌گیری قابل استفاده است که این

عرصه تجلی رابطه جغرافیا با سیاست، حکومت یا نظام سیاسی مستقل است که به نیابت از دو عنصر پایدار یعنی سرزمین و ملت یا انسان‌های بومی و مقیم در سرزمین موجودیت می‌یابد و به ایفای نقش می‌پردازد. چنین نیابتی عموماً از رهگذر نظام انتخاباتی که در قالب قانون اساسی تجلی می‌یابد و به نوعی بیان‌کننده نیازها و آرمان‌های ساکنان بخش‌های مختلف کشور است، عملیاتی می‌شود و زمینه را برای تبدیل آرا مردم به مناصب و جایگاه‌های سیاسی فراهم می‌کند.

از آنجا که سیاست و امر سیاسی پدیده‌ای متکثر و پدیده‌های جغرافیایی نیز متأثر از فرایندهای مکانی- فضایی، سرشتی پویا و دگرگون‌پذیر دارند؛ به تبع الگوهای فضایی که از این فرایند تکثر و پویایی حاصل می‌شود، مورد مطالعه جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرند. دموکراسی و انتخابات به این دلیل که سه عنصر جدایی‌ناپذیر ملت، حکومت و سرزمین را به هم مربوط می‌کند در جستارهای جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرد. جدایی‌ناپذیری این مثلث برابند رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت منتقل می‌کند. به دیگر سخن، دموکراسی و انتخابات، بهترین ابزاری است که سبب می‌شود اراده ملت در اداره سرزمین عملی شود [۱۰]. در این میان، جغرافیای انتخابات به مطالعه همبستگی مذکور در قالب ترسیم نقشه‌های رفتار انتخاباتی و زمینه‌های موثر (ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) در تنوع فضایی الگوهای انتخاباتی می‌پردازد. بنابراین پیش‌نیاز پژوهش در عرصه جغرافیای انتخابات، برقراری نظام سیاسی دموکراتیک و وجود آمارهای موثق مختلف مربوط به مشارکت سیاسی حوزه‌های انتخاباتی در نواحی مختلف کشور است.

بنابراین حوزه‌های انتخاباتی، کانون مطالعه جغرافیایی انتخابات است. این محدوده‌های جغرافیایی به منظور انتخاب نمایندگان در سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی بر ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت تأثیر دارد. بنابراین محدوده جغرافیایی سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرند. بر پایه مطالب ذکر شده جغرافیای انتخابات آن دسته از واحدهای سیاسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که دارای نظام‌های دموکراتیک باشد. بنابراین مکان‌هایی را بررسی و واکاوی می‌کند که اولاً تصدی و احراز مناصب و کرسی‌های حکومتی رقابتی از طریق انتخابات باشند. دوم اینکه انتخابات منصفانه و به دور از اجبار باشد و سوم آزادی‌های مدنی و سیاسی برقرار باشد تا انسجام مشارکت در رقابت سیاسی تضمین گردد [۹].

مشارکت سیاسی

مشارکت به مفهوم همکاری و فعالیت گروهی و سازمانی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای

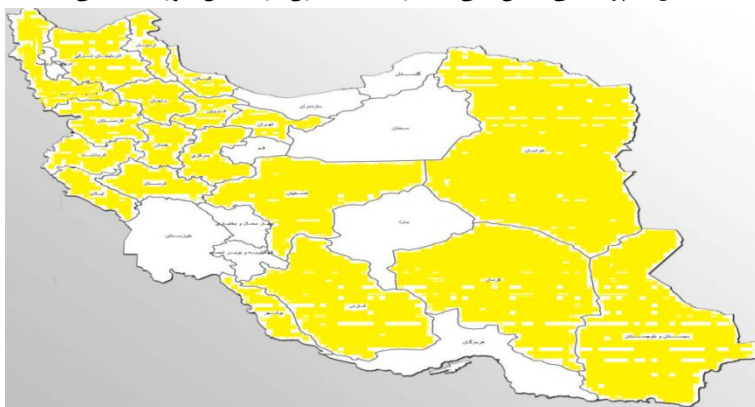
پس از جمع‌آوری داده‌ها، در نهایت از تکنیک شانون برای بررسی داده‌های به دست آمده از روش دلفی استفاده می‌شود. این تکنیک بهره‌مندی از یک فرمول ریاضی برای تحلیل داده‌ها می‌باشد که دارای اعتبار بالاتری نسبت به روش سنتی فراوانی و میانگین برای تعیین اولویت و اهمیت شاخص‌ها است.

رویه انجام پژوهش

شرکت کنندگان براساس تخصص و نه به صورت تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش نیز، ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه که در حوزه‌ی جغرافیای انتخابات صاحب نظر بودند، انتخاب شدند. در مرحله اول، مصاحبه با شرکت کنندگان صورت گرفت. در این مصاحبه، پژوهشگران برای صاحب‌نظران توضیح دادند که ۱۱ دوره مجلس شورای اسلامی برگزار شده است که در طی این ۱۱ دوره، ۷۸ زن موفق به کسب ۱۱۱ کرسی نمایندگی مجلس شدند و سپس پژوهشگران نقشه پراکنش فضایی نمایندگان زنان در مجلس شورای اسلامی را ارائه دادند که نقشه شماره ۱ نشان دهنده استان‌هایی است که دارای نماینده زن در مجلس شورای اسلامی بوده‌اند و این مناطق با رنگ زرد نشان داده شده‌اند.

تکنیک در سه یا چهار مرحله انجام می‌شود. این تکنیک با پرسش‌نامه و مصاحبه آغاز می‌شود. در مرحله اول قبل از مصاحبه، پژوهشگران، منابع موجود حول موضوع پژوهش حاضر را مطالعه و بررسی می‌کنند و سپس شاخص‌ها و مولفه‌های مهم را جمع‌آوری می‌کنند. سپس در فرایند مصاحبه، شاخص‌های به دست آمده را در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار می‌دهد و نظرات آنان را جویا می‌شود. پژوهشگران بعد از جمع‌کردن پاسخ‌ها، پرسشنامه بسته‌ای تهیه می‌کند. در مرحله دوم، پرسش‌نامه بسته‌ای در اختیار هر شرکت‌کننده گذاشته می‌شود که باید ابعاد موضوع مورد بحث را به ترتیب اهمیت، اولویت بندی کنند. در پایان این مرحله، موضوعات مورد توافق یا عدم توافق شرکت کنندگان، مشخص می‌شود و می‌توان پاسخ‌های شرکت کنندگان را برای یکدیگر ارسال کرد تا از پاسخ‌های دیگران اطلاع پیدا کنند. در مرحله سوم مجدد برای هر یک از شرکت کنندگان، پرسش‌نامه ارسال می‌شود که در آن خلاصه موضوعات مرحله قبل ذکر شده که از هر شرکت‌کننده، درخواست می‌شود، دلایل خود را در خصوص موارد عدم اجماع توضیح بدهد یا تجدیدنظر کند. در مرحله چهارم، از موضوعات یا شاخص‌های مورد اجماع و عدم اجماع لیستی تهیه می‌شود و این آخرین فرصت هر شرکت‌کننده برای تجدیدنظر و داوری آنها می‌باشد [۱۸].

شکل ۱: پراکندگی استان‌هایی که دارای نماینده زن در مجلس شورای اسلامی



منبع: نگارندگان

در گام بعدی پژوهشگران به دنبال این بودند که دیدگاه صاحب‌نظران را در خصوص اینکه چه عواملی در پراکنش جغرافیایی زنان در مجلس شورای اسلامی تاثیرگذار است را کسب نمایند. سپس پژوهشگران داده‌های به دست آمده از مرور منابع را برای آنان توضیح دادند و درخواست کردند که نظر خود را بیان کنند.

جدول ۱: نکات کلیدی بدست آمده از مصاحبه با صاحب‌نظران در مرحله اول روش دلفی

صاحب‌نظران	عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در مجلس شورای اسلامی
۱	شهرهای بزرگ نسب به شهرهای کوچک.
۲	شهرهای بزرگ (تراکم جمعیت). قومیت و نژاد.

۳	وضعیت اقتصادی بالاتر.
۴	وضعیت اقتصادی بالاتر. سطح آموزش و سواد بالاتر.
۵	مناطق که فرهنگ مردسالارانه کم‌رنگ تر است.
۶	اقلیم (شرایط آب و هوایی).
۷	نهادینه شدن فرهنگ برابری. اقلیم.
۸	عملکرد مناسب زنان در عرصه سیاست در برخی مناطق.
۹	سطح تحصیلات بالاتر.
۱۰	وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. اقلیم. قومیت و نژاد.

مورد مقایسه قرار گرفت و سپس عوامل مشترک حذف شد و در نهایت ۱۸ عامل به عنوان عوامل تاثیرگذار در پراکنش جغرافیایی زنان در مجلس تعیین شد. این فرایند در جدول ۲ نشان داده شده است:

پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در مجلس شورای اسلامی از نگاه صاحب‌نظران استخراج شد. این عوامل به دست آمده از منظر مصاحبه شوندگان با عوامل استخراج شده از مرور منابع پیشین

جدول ۲: عوامل بدست آمده از مرور منابع و مصاحبه با صاحب‌نظران و استخراج عوامل نهایی

عوامل بدست آمده از مرور منابع	عوامل به دست آمده از مصاحبه	عوامل نهایی تاثیرگذار در پراکنش جغرافیایی زنان در نمایندگی مجلس
-تحصیلات بالاتر. -خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده. -اقلیم (شرایط آب و هوایی). -قومیت. -وضعیت اقتصادی بالاتر (رفاه بیشتر). -کم‌رنگ بودن فرهنگ مردسالارانه در برخی از مناطق. -باورها، هنجارها و ارزش‌های (مثبت یا منفی) مشترک جمعی نسبت به حضور و فعالیت زنان. -شهرهای بزرگ. -تراکم جمعیت. -عملکرد مناسب زنان در برخی مناطق.	-اشتراکات زبانی. -یک دست بودن قومیت. -تحصیلات بالاتر. -رفاه اقتصادی. -داشتن شغل اداری یا سیاسی. -سابقه داشتن پست نمایندگی مجلس. -مذهب. -تصور ذهنی مطلوب نسبت به فعالیت سیاسی زنان. -وجود فرهنگ برابری برای مشارکت سیاسی. -تغییر باورها و ارزش‌های سنتی نسبت به نقش زنان در برخی از مناطق. -وجود الگوهای بومی و محلی. -آشنایی و حمایت برخی مسئولان بومی از زنان. -نسبت فامیلی زنان با مسئولین (پدر- دختر، عمو - برادر زاده و...). -وجود تشکل و احزاب سیاسی فعال در برخی مناطق و معرفی زنان کارآمد.	-خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده. -تحصیلات بالاتر. -مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند. -رفاه اقتصادی. -شرایط آب و هوایی مناسب. -تصدی پست‌های اجرایی و سیاسی. -سابقه داشتن پست نمایندگی مجلس شورای اسلامی. -تراکم جمعیت بالاتر. -نهادینه شدن فرهنگ برابری برای مشارکت سیاسی. -تصور ذهنی مطلوب نسبت به فعالیت سیاسی زنان. -شهرهای بزرگ (مناطق توسعه یافته‌تر). -حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های یک عضوی. -بومی بودن. -یکدست بودن قومیت. -اشتراکات زبانی. -آشنایی و حمایت برخی مسئولان بومی از زنان. -نسبت فامیلی زنان با مسئولین (پدر- دختر، عمو - برادر زاده و...). -وجود تشکل و احزاب سیاسی فعال و کارآمد در برخی مناطق و معرفی زنان کارآمد.

به هر عامل نشان داده شده است. در این جدول، نمره ۱ برای مخالفت کامل و نمره ۵ برای موافقت کامل هر شرکت کننده به صورت (الف تا دال) مد نظر گرفته شده است.

سپس پرسش‌نامه بسته‌ای با پاسخ‌های پنج درجه‌ای طیف لیکرت برای این عوامل ۱۸ گانه طراحی شد و برای شرکت کنندگان فرستاده و نتایج به دست آمده در جدول ۳، به شکل نمره دهی

جدول ۳: نمرات صاحب‌نظران به هر عامل در پرسش‌نامه مرحله دوم روش دلفی

ردیف	عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در نمایندگی مجلس شورای اسلامی	الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
۱	حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های یک عضوی.	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴
۲	رفاه اقتصادی.	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۴
۳	شهر بزرگتر نسبت به شهرهای کوچکتر.	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴
۴	تصدی پست‌های اجرایی و سیاسی.	۳	۴	۴	۳	۵	۵	۴	۴	۴	۵
۵	مناطق با جمعیت بیشتر.	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۵
۶	بومی بودن.	۵	۵	۵	۳	۴	۴	۵	۵	۵	۴
۷	نهادینه شدن فرهنگ برابری برای مشارکت سیاسی.	۴	۲	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۳
۸	تحصیلات بالاتر.	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۳
۹	خاستگاه اجتماعی و فرهنگی خانواده.	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۵	۳	۴	۴
۱۰	مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند.	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۳	۴
۱۱	تصویر ذهنی مطلوب نسبت به فعالیت سیاسی زنان.	۵	۵	۴	۴	۱	۳	۵	۴	۵	۳
۱۲	شرایط آب و هوایی مناسب.	۵	۴	۴	۵	۱	۳	۵	۴	۵	۳
۱۳	آشنایی و حمایت برخی مسئولان بومی از زنان.	۵	۳	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۵	۵
۱۴	سابقه داشتن نمایندگی مجلس شورای اسلامی.	۵	۴	۴	۵	۱	۳	۵	۴	۵	۳
۱۵	نسبت فامیلی زنان با مسئولین (پدر- دختر، عمو- برادر زاده و...).	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۳
۱۶	وجود تشکل و احزاب سیاسی فعال و کارآمد در برخی مناطق و معرفی زنان کارآمد.	۴	۴	۴	۳	۵	۴	۴	۳	۴	۴
۱۷	اشتراکات زبانی.	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۳	۴	۴	۳
۱۸	یکدست بودن قومیت.	۵	۴	۴	۳	۵	۲	۲	۴	۵	۲

شرکت کننده به شاخص مورد نظر و P_{ij} نمره به هنجار شده است. سپس به وسیله رابطه (۲)، بار اطلاعاتی هر مقوله (E_j) محاسبه و تعیین گردید. در این رابطه n تعداد مقوله‌ها و m تعداد شرکت کنندگان می‌باشد.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i = 1, 2, \dots, m; j = 1, 2, \dots, n) \quad \text{رابطه (۱)}$$

رابطه (۲):

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln(P_{ij})] \quad j \in 1 \dots n \quad k = \frac{1}{\ln(m)}$$

پس از آن، از طریق رابطه (۳)، وزن هر عامل یا مقوله (W_j) بدست آمده است:

$$W_{ij} = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j} \quad \text{رابطه (۳)}$$

در ادامه پژوهشگر برای اینکه از میزان موافقت شرکت کنندگان با هر عامل اطلاع پیدا کند، نمرات را جمع کرده و سپس از حاصل جمع نمرات و میانگین آنها استفاده نمود. جدول ۴، نشانگر جمع و معدل نمرات هر عامل است که نشان دهنده این است که «مناطق با جمعیت بالاتر» بیشترین نمره و میانگین را کسب کرده و جز مهمترین عوامل تاثیرگذار در پراکنش جغرافیایی زنان در نمایندگی مجلس از سوی صاحب‌نظران تعیین شده و پس از آن به ترتیب «بومی بودن»، «تحصیلات بالاتر»، «خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده» و «آشنایی و حمایت برخی مسئولان بومی از زنان» قرار دارند.

سپس با تکنیک شانون، داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. برای بهره گیری از این فرمول، به وسیله رابطه (۱) داده‌های جدول فراوانی به هنجار شده است [۱۶]. در این فرمول، F_{ij} نمره هر

جدول ۴: یافته‌های به دست آمده از پرسش‌نامه مرحله دوم روش دلفی و تکنیک شانون

عوامل	جمع نمره	میانگین	بار اطلاعاتی عوامل	وزن شاخص تکنیک شانون
-------	----------	---------	--------------------	----------------------

۴۰				حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های یک عضوی.
				رفاه اقتصادی.
۰/۴۳۸۶	۱/۴۲۸	۴/۲	۴۲	شهر بزرگتر نسبت به شهرهای کوچکتر.
۰/۴۳۶۶	۱/۴۲۱	۴/۱	۴۱	تصدی پست‌های اجرایی و سیاسی.
۰/۴۳۷۲	۱/۴۱۴	۴	۴۰	نهادینه شدن فرهنگ برابری برای مشارکت سیاسی.
۰/۴۳۸۳	۱/۴۲۷	۴/۶	۴۶	مناطق با جمعیت بالاتر.
۰/۴۳۴۲	۱/۴۲۳	۴/۵	۴۵	بومی بودن.
۰/۴۳۷۲	۱/۴۲۳	۴/۴	۴۴	تحصیلات بالاتر.
۰/۴۳۷۲	۱/۴۲۳	۴/۴	۴۴	خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده.
۰/۴۳۷۸	۱/۴۲۵	۴/۱	۴۱	مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند.
۰/۴۲۸۰	۱/۳۹۳	۳/۹	۳۹	شرایط آب و هوایی مناسب.
۰/۴۲۸۰	۱/۳۹۳	۳/۹	۳۹	تصویر ذهنی مطلوب نسبت به فعالیت سیاسی زنان.
۰/۴۳۷۳	۱/۴۲۴	۴/۳	۴۳	آشنایی و حمایت برخی مسئولان بومی از زنان.
۰/۴۳۷۳	۱/۴۲۴	۴/۳	۴۳	نسبت فامیلی زنان با مسئولین (پدر- دختر، عمو- برادر زاده و...).
۰/۴۳۷۶	۱/۴۲۵	۳/۹	۳۹	سابقه داشتن پست نمایندگی مجلس.
۰/۴۳۷۶	۱/۴۲۵	۳/۹	۳۹	وجود تشکل و احزاب سیاسی فعال و کارآمد در برخی مناطق و معرفی زنان کارآمد.
۰/۴۳۷۶	۱/۴۲۵	۳/۹	۳۹	اشتراکات زبانی.
۰/۴۲۸۲	۱/۳۹۴	۳/۶	۳۶	یکدست بودن قومیت.

نمایندگی مجلس شورای اسلامی داشته‌اند. با این توصیف نتایج به دست آمده از اجماع صاحب‌نظران در روش دلفی و تکنیک شانون به شرح زیر است:

یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در نمایندگی مجلس شورای اسلامی، «چند عضوی بودن حوزه‌های انتخابیه نسبت به حوزه‌های تک عضوی» است. در این پژوهش، اجماع صاحب‌نظران تایید کرد که موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی‌های نمایندگی مجلس در حوزه‌های چند عضوی در مقایسه با حوزه‌های تک عضوی بیشتر است. برای نمونه، زنان در دوره اول تا سوم مجلس شورای اسلامی، تنها در حوزه انتخابی تهران موفق به کسب کرسی نمایندگی شدند. در دوره چهارم زنان از حوزه‌های انتخاباتی تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه به مجلس راه یافتند که همگی این حوزه‌ها جز حوزه‌های چند عضوی هستند. در دوره پنجم از بین حوزه‌های انتخابیه، از شهرستان لار که تک عضوی است یک نماینده موفق

همانطور که انتظار می‌رفت و در جدول ۴ نشان داده شد، یافته‌های به دست آمده از الگوریتم شانون در مقایسه با یافته‌های به دست آمده از فراوانی اهمیت عوامل و رتبه بندی آنها را به صورت متفاوت نشان می‌دهد؛ به این علت که الگوریتم شانون اعتبار و دقت بیشتری برای وزن دهی به عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در نمایندگی مجلس دارد، بنابراین الگوریتم شانون اساس نتیجه گیری در این پژوهش قرار گرفته است.

براساس جدول شماره ۴، پنج عامل «حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های یک عضوی»، «شهرهای بزرگتر»، «مناطق با جمعیت بالاتر»، «رفاه اقتصادی» و «مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند» جزء مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در نمایندگی مجلس هستند و عامل «یکدست بودن قومیت» جز عواملی بود که از نگاه صاحب‌نظران کمترین اثرگذاری را در پراکنش جغرافیایی زنان در

به کسب کرسی نمایندگی و سایر نمایندگان زن از حوزه‌های تهران، اصفهان، مشهد، همدان و ارومیه که چند عضوی هستند، انتخاب شدند.

در دوره ششم، انتخاب زنان از حوزه‌های تک عضوی به سه مورد افزایش پیدا کرد که شامل حوزه‌های اسلام‌آباد، خلخال، غرب و دشتستان بود و سایر نمایندگان زن از حوزه‌های چند عضوی تهران، شیراز، اصفهان، ارومیه و مشهد انتخاب شدند. در مجلس هفتم تنها یک زن از حوزه تک عضوی خلخال انتخاب شد و سایر نمایندگان زن از حوزه‌های چند عضوی تهران، مشهد، اصفهان، کرج، رشت، زنجان و تبریز انتخاب شدند. در مجلس هشتم زنان از حوزه‌های چند عضوی تهران، مشهد، اصفهان و کرج به مجلس راه پیدا کردند. در انتخابات مجلس نهم زنان در حوزه‌های تک عضوی سمیرم، ساوه، زرندیه، سراب و مهربان موفق شدند به مجلس راه یابند و سایر نمایندگان زن از حوزه‌های چند عضوی تهران، اصفهان، زابل و زهک بودند. در مجلس دهم، تعداد نمایندگان زن از حوزه‌های تک عضوی افزایش یافت و به ۵ مورد افزایش پیدا کرد که نمایندگان از حوزه‌های بروجن، سمیرم، شهرضا، مبارکه و شبستر انتخاب شدند و سایر نمایندگان زن از حوزه‌های انتخابی تهران، اصفهان، عسلویه، قزوین، نیشابور و تبریز انتخاب شدند. در مجلس یازدهم نیز تعداد نمایندگان زن از حوزه‌های تک عضوی به ۷ حوزه زرند و کوهبنان، نائین، مرند و جلفا، مبارکه، مریوان، شهرضا و سمیرم افزایش یافت و سایر نمایندگان زن از حوزه‌های چند عضوی اصفهان، ایلام، تهران، مشهد، نیشابور، قزوین و بروجرد انتخاب شدند.

با این توصیف در طول یازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، بیشتر نمایندگان زن از حوزه‌های چند عضوی به مجلس راه یافتند. بنابراین شانس موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های عضوی بیشتر از حوزه‌های تک حزبی می‌باشد. برای مثال حوزه تهران به علت داشتن ۳۰ کرسی نمایندگی، بیشترین آمار زنان را در حوزه‌های انتخابی ایران به خود اختصاص داده است.

دومین عامل تأثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی از سوی صاحب‌نظران «شهرهای بزرگتر» بود. در خصوص این موضوع باید گفت که بیشتر زنانی که تاکنون به مجلس راه یافتند، از استان‌های اصفهان، تهران، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی بودند. در این بین سهم استان تهران به تنهایی ۵۷ زن بوده است؛ این در حالی است که در طول این ۱۱ دوره فعالیت مجلس شورای اسلامی، تعداد کل نمایندگان زن ۱۱۱ بوده است. این امر نشان دهنده این است که بیش از نیمی از نمایندگان زن به استان تهران تعلق دارد. سپس بعد از استان تهران، استان اصفهان، مشهد، تبریز، کرمانشاه، همدان،

ارومیه و... بیشترین نماینده زن را به خود اختصاص داده است. با این توصیف موفقیت زنان در کسب کرسی‌های نمایندگی مجلس در شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای کوچک و روستاها می‌باشد، زیرا اول اینکه شهرهای بزرگ، دارای حوزه‌های انتخابی چند عضوی هستند و به تبع این امر احتمال موفقیت زنان را بیشتر می‌کند. دوم اینکه در شهرهای بزرگ، سطح سواد زنان به نسبت شهرهای کوچک و روستاها بالاتر است و همین امر باعث می‌شود زنان به عنوان نیروهای فعال و کارآمد بتوانند وارد عرصه اجتماع و سیاست شوند [۲].

سومین عامل تأثیرگذار در پراکنش جغرافیایی نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از سوی صاحب‌نظران «مناطق با جمعیت بالاتر» بود. در خصوص این موضوع، می‌توان ذکر کرد که در طول این ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، شانس موفقیت زنان در استان‌های با جمعیت بالاتر بیشتر است. برای نمونه در کشور ایران، استان تهران دارای بالاترین جمعیت است تاکنون از مجموع ۱۱۱ نماینده زن، از این استان ۵۷ زن به مجلس راه یافته‌اند. همچنین بعد از شهر تهران به ترتیب شهر مشهد و اصفهان دارای بالاترین جمعیت است که ۷ زن از شهر مشهد و ۱۲ زن از شهر اصفهان توانسته‌اند به مجلس راه یابند.

چهارمین عامل تأثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی زنان در مجلس از منظر صاحب‌نظران «رفاه اقتصادی» است. از یک سو در مناطقی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی توسعه یافته‌تر هستند، تمایل زنان برای حضور و مشارکت در مجلس بیشتر است. همچنین زنانی که از جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند، شانس موفقیتشان در کسب کرسی‌های نمایندگی بیشتر است، زیرا این زنان برای تبلیغات جهت معرفی خویش در انتخابات، نیازمند پول (ثروت) کلان هستند تا بتوانند هزینه‌های جانبی کاندیداتوری خویش را پرداخت کنند. بنابراین زنانی که از رفاه بالاتری نسبت به زنانی که از رفاه متوسط و پایین‌تری برخوردارند از شانس بیشتری برای ورود به مجلس برخوردارند. برای نمونه از شهرهای توسعه یافته که از لحاظ رفاه اقتصادی بالاترند، نظیر تهران، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان در اغلب دوره‌های مجلس شورای اسلامی، نماینده زن داشته است. پنجمین عامل تأثیرگذار بر پراکنش نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی، «مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند» می‌باشد. در این خصوص باید ذکر کرد که در شهرهای بزرگ (مناطق توسعه یافته‌تر) به دلیل رونق شهرنشینی و آشنایی افراد با مولفه‌ها و آموزه‌های پیرامون آن، سطح آموزشی آنان بالاتر است و به تبع انسان‌هایی که سطح سواد بالاتری دارند احتمال بیشتری دارد که از دیدگاه‌های تساوی انسان‌ها حمایت کنند و منطقی است که در این مناطق فرهنگ رقابت‌پذیری و

تحلیل تکنیک شانون به دست آمد، نشان داد که «حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های یک عضوی»، «استان‌های مرکزی و شهرهای بزرگ»، «مناطق با جمعیت بالاتر»، «رفاه اقتصادی»، «مناطق که از نظر آموزشی سطح بالاتری دارند» و «داشتن پست اجرایی و سیاسی» جز مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی هستند.

همچنین عامل «یکدست بودن قومیت» جز عواملی بود که از نگاه صاحب‌نظران کمترین اثرگذاری را در پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی داشته است. در واقع حضور نمایندگانی از تبریز، کرمانشاه، مشهد، تهران، زابل و... دلیلی بر تایید این امر است، زیرا زنان در این استان‌ها با زبان‌های متفاوت توانسته‌اند به مجلس راه یابند، بنابراین در کسب کرسی نمایندگی، یکدستی زبان مد نظر نیست.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه اخلاقی، تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی / حمایت‌ها: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است

منابع

۱. پیشگاهی فرد، زهرا؛ حسینی، سید محمد. (۱۳۹۴). تحلیلی بر چگونگی پراکنده کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
۲. پیشگاهی فرد، زهرا؛ کیانی، وحید. (۱۳۹۴). تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره اول تا نهم مجلس، پژوهش‌نامه زنان، سال ۶، شماره ۱، صص ۶۳-۶۷.
۳. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۴. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۰). سیاست و فضا، مشهد: انتشارات پاپلی.
۵. سیف زاده، حسین. (۱۳۷۳). مشارکت منفعلانه و علت تداوم آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۱، صص ۱۶۵-۱۷۶.
۶. راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.

مشارکت سیاسی برابر، بیشتر نهادینه شده است. بنابراین در شهرهای بزرگ که توسعه فرهنگی و اجتماعی بالاتر است، موفقیت زنان برای کسب کرسی‌های نمایندگی بیشتر است. در نهایت یادآوری این نکته حائز اهمیت است که «اشتراکات زبانی» جز عاملی بود که اهمیت پایین‌تری نسبت به سایر عوامل از نگاه صاحب‌نظران داشت. در خصوص این نکته می‌توان ذکر کرد که در کنار تایید صاحب‌نظران، نتایج ۱۱ دوره انتخابات مجلس نشان می‌دهد که اشتراکات زبانی بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان تاثیرگذار نیست، زیرا در کشور ایران زنان با گویش و زبان‌های مختلف توانسته‌اند به نمایندگی مجلس راه یابند.

نتیجه گیری

مشارکت سیاسی زنان یکی از معیارهای توسعه سیاسی است. به همین منظور اغلب کشورها به ویژه جمهوری اسلامی برای اینکه از لحاظ توسعه سیاسی در سطحی بالا قرار داشته باشند، به تقویت و ارتقای مشارکت سیاسی زنان در عرصه قانون‌گذاری و یا نمایندگی مجلس پرداخته‌اند. در جمهوری اسلامی ایران تاکنون ۱۱ دوره انتخابات نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزار شده که ۱۱۱ زن در طی این ۱۱ دوره توانسته‌اند، به مجلس راه یابند اما پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی یکدست و برابر نیست؛ این امر به این معناست که در برخی از حوزه‌های انتخابیه، زنان در اغلب دوره‌ها به مجلس راه یافتند، اما در برخی از حوزه‌های انتخابیه، هنوز زنی موفق نشده است به مجلس راه پیدا کند. به همین منظور در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش بودیم که عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی کدامند؟ برای پاسخ به این پرسش از روش دلفی و تکنیک شانون استفاده شد. ابتدا ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در حوزه جغرافیای انتخابات، انتخاب گردید و مرحله اول دلفی، در قالب مصاحبه باز صورت گرفت. از متن مصاحبه‌ها، عواملی که بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس تاثیر گذاشته بود، استخراج شد. این عوامل با عوامل به دست آمده از مرور منابع مورد مقایسه قرار گرفت و در نهایت ۱۷ عامل استخراج گردید و در قالب پرسش نامه، در اختیار صاحب‌نظران گذاشته شد. از پرسش‌نامه، داده‌هایی به دست آمد که با دو روش (فراوانی و میانگین) و تکنیک آنتروپی شانون مورد بررسی قرار گرفت و به این علت که تکنیک شانون از اعتبار بالاتری برای تعیین وزن (عوامل تاثیرگذار بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس) برخوردار است که مبنای نتیجه‌گیری قرار گرفت. در نهایت ۱۷ عاملی که بر پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در مجلس شورای اسلامی تعیین شده بود، مورد تایید قرار گرفت و یافته‌های که از

۷. زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل الگوی فضایی پراکنش آرا در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۷۵-۷۹.
۸. صادقی، علی (بی تا). جغرافیایی انتخابات با نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا، فصلنامه پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، ص ۱.
۹. کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۶). پراکنش فضایی مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره اول، ص ۹.
۱۰. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیات ایرانی، تهران: نشر نی.
۱۱. مایتر، آبرون. (۱۳۸۲). مشارکت سیاسی، بحران فرآیند سیاسی، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیایی سیاسی، دره میرحیدر. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. میرشکاریان، یحیی؛ پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۹۷). پوشش جغرافیایی انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران با تاکید بر مشارکت زنان، پژوهش‌نامه جغرافیای انتخابات، سال ۶، شماره ۲۱.
۱۴. هلد، دیوید. (۱۳۹۱). مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: روشنگران.
۱۵. یزدان پناه درو، کیومرث. (۱۳۹۶). بررسی جغرافیای حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در ایران با تاکید بر مجلس دهم، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره نهم، شماره ۲، صص ۳۰۴-۳۰۸.
16. Azar, A. (2001). Developing of Shanon Entropy Method In Content Analysis. Al_zahra University Journal of Namanities, 11(37-38), 1-18.
17. Filnt, Colin. (1998). The Political Geography of The Nazi Partys Electoral Support: The NSDAP Az Regional Milieupartrim And National Sammlungsbevwung. The Arab World Geographer, Vol.1.
18. Hus, Chia-Chien. (2007). Delphi Technique: Making Sence of Consensus. Practical Assessment, Research & Evaluation Journal, 10-11.